

پنج هزار شهید بی مزار و بی کفن

به مناسبت نکوهش و نفرت از فاجعه کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷



تبصره ناشر:

این نوشته در اپریل ۲۰۱۶ میلادی در سایت آریانا افغانستان آنلاین نشر شده است ولی به اثر اهمیت آن از یکطرف و از سوی دیگر برای جلوگیری از فراموشی جنایات گروه های خیانتکار خلق و پرچم بازهم این نوشته عالی و منحصر به فرد را که میتوان یک تحقیق عمیق و یک تدقیق بی همتا اش خواند و همچنین به خاطری که از قلم جنایت شکن دوست عزیز و معزز من دانشمند فرهیخته افغان جناب رحمت آریا رقم شده است، امروز به مناسبت ۴۲مین سال کودتای منحوس هفت ثور کمونیست های نوکران شوروی و همچنان به خاطر اهمیت بشری و ملی آن از یکطرف و به خاطر اینکه هنوز که هنوز است آن عده ای از وابستگان احزاب خلق و پرچم که دستان شان تا شانه ها به خون ملت افغانستان سرخ است، محاکمه نشده اند، مجدداً به زیور طبع آراسته میشود. ولی احمد نوری

** * **

نام رژیم کودتای ننگین هفت ثور ۱۳۵۷ هـ. ش چنان با خون و قساوت، جنایت و بی رحمی و بیگانه پرستی گره خورده است که جز خائنین و جانپان وابسته به آن، شاید هیچ افغانی نباشد، که درک و برداشت دیگری از آن داشته باشد. کشتارهای سیستماتیک افغانها بخصوص طی بیست ماه اول عمر نکبت بار این رژیم چنان در حافظه مردم و تاریخ سرزمین ما ثبت شده است که بر مصداق قول معروف «شب رفت و سحر نشد شب آمد» علی الرغم سپری شدن سی و پنج سال پس از ام الخیانات ۷ ثور ۵۷، وحشت و دهشت آغاز حکمروایی حزب دیموکراتیک خلق، سیاه ترین و خونبارترین صفحات تاریخ متأخر ما را تشکیل می دهد. لست ۵۰۰۰ قربانی آن سالها که درین اواخر افشاء شده است با آنکه محض نمونه کوچکی فجایع صورت گرفته و «مشت نمونه خروار» است، اگر از یکطرف نشان دهنده مجدد عمق شقاوت و جنایتکاری رژیم و حزبی است که والاترین آرمان های جامعه بشری را به لجن کشید، از طرف دیگر مبین این حقیقت است که بزرگترین قربانی تاریخ متأخر کشور ما نه این شهدای بی کفن و بی مزار بلکه نفس و جوهر «عدالت» است که همان جانپان دیروز با «معاون» و «وزیر» و «وکیل» و «کاندید» و سالار و سرور بودن، هر آن برگلوش تیغ ریشخند میکشند و خنجر طعنه را درچشمش فرو می برند.

این لست بیاد آورنده این حقیقت تکان دهنده است که تا زمانی که شاهین ترازوی عدالت در کشور ما عمود نگردیده هیچ گونه دیموکراسی فسادگستر امریکایی نمی تواند بر زخم های روان مردم ما مرهم بگذارد. بی قانونی، فساد و نامردمی ایکه امروز از برکت دیموکراسی امریکایی در کشور ما بیداد می کند نتیجه مستقیم آزاد بودن و معزز بودن جانیانی است که این لست و اسناد همانند آن عروۃ الوثقای محکومیت آنهاست. به سخره گرفته شدن عدالت انتقالی در واقع به سخره گرفتن خون این همه قربانیانی است که دولت کرزی با قاتلین همین شهداء که در خود جا داده است بر آنها اشک تمساح می ریزد.

لست منتشره که امید میرود سلسله انتشار لست های دیگری را (که موجود هستند) در پی داشته باشد، سند محکمی است که تا قرن ها و نسل ها نفرین نامه مردم و تاریخ کشور بر جانپان و وطن فروشان حزب دیموکراتیک خلق خواهد بود، ولی مهمتر از آن اینست که جمع آوری و مستند سازی این جنایات اساس کار تحقیقی را برای پژوهشگران و تاریخ نگارانی تشکیل می دهد که نه با عواطف و احساسات به آن نگاه خواهند کرد، بلکه از روی حقایق و استناد بر آنچه نسل ما دیده و کشیده است، تاریخ بر آن قضاوت خواهد کرد. اینجاست که ضرورت به ارائه این حقایق بگونه ای که کار تحقیقی و بررسی را آسان تر سازد، یک

نیاز مبرم است که باید هرچه زودتر و با دقت هر چه بیشتر برآورده شود. افتخار دارم که در این امر مهم تا حد توان اولین گام را برداشته ام و اینک نتایج کار خود را با شرحی که ذیل در مورد چگونگی آن بیان میشود به پیشگاه محققان، پژوهشگران، تاریخ نگاران، جویندگان حقیقت و بخصوص به خانواده های داغدار که با قلب خونین نام و نشان عزیزان گمشده خود را درین سیاهه بخون خفنگان می پالند، در آغاز با بیان این سروده که مایه احساس دورنی من است، به پیشگاه شان تقدیم میدارم:

به تو ای مادر، ای خواهر، ای پدر و برادر که ۳۵ سال تمام را برای شهید عزیز بی کفن و بی مزارت خفته در قبر گمنام، مظلومانه اشک ریختی، سلام.

سلام به صبر ایوبی تو.

فدای هر قطره اشک گهر بار و معصومت شوم که هر روز و شام در فراق عزیز از دست رفته ات، با تو و با درد و داغتمونوا ام، غم را در آئینه زمان زده و ماتمکه تاریکت می بینم که گرد و خاک نامرادی و نامردمی، ظلم، شقاوت و بیداد بر جلای آن زنگار انداخته است، در کنار تو با تو ایستاده و اشک می ریزم.

سلام به شکوه پر غرور هندوکش آسایت.

سلام به تو ای مادر افغان که فرزندت را یا جلالد خلقی، دژخیم پرچی، میر غضب تنظیمی و یا شلاق و دُرّه زن طالبی زنده سر به نیست کرده است.

به عظمت سپین غر آسایت سلام

به خروش، غرور، عظمت و شکوه آمو و اباسین آسای جاویدان شهیدت سلام،

به شهید وطن من وتو سلام؛

مبارک باد شهادت برتو، ای شهید خفته در قبر گمنام

چه مبارک است شهادتت ای فرزند وطن! چه میمون و مردانه است سر بازیت در ره وطن!

فراموش مکن که آن جاودانه دوران، تاکنون بر چهره های مسخ شده شرف باختگان و کرگسان جنایت پیشه همچنان جاودانه میخندد،

گمان مبر که تو تنهایی، با تو ام ای مادر، با تو ام ای خواهر، با تو ام ای پدر و با تو ام ای برادر، با فریاد عدالت خواهی با تو ام، دست مظلومت را هرگز رها نخواهم کرد،

شاید روزی فرا رسد که زمینه گشای باز پرس خون ناحق جگر گوشه ات شود،

آیا چنان روزی فرا میرسد؟

برای همین امید و آرمان با تو زنده ام،

شمعی را که افروخته ای هرگز مگذار به خموشی گراید،

زنده ایم تا شاهد محاکمه این جانان تاریخ باشیم. (پایان سروده)

قبل از آنکه به شرح موضوع پردازم، قابل ذکر میدانم که مستند سازی جنایات سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ تنها و تنها به مثابه اساس و نقطه آغاز کار برای مستند سازی جنایات رژیم های مابعد آن از هفت ثور تا امروز است، چنانیکه صد ها هزار افغان بیگناه طی بمباردمان سیاست زمین سوز اتحاد شوروی و متعاقباً در جنگهای خونین منطقوی میان تنظیم ها کشته شده اند، به شمول قتل ها و ترورهای سیاسی افغانهای مهاجر در شهرهای پشاور و کوئته، مشهد، تهران و کرمان و غیره که علی الرغم تلاشهای متعدد رسماً درج اوراق نشده اند. اینکه به چه تعداد افغانها بوسیله منسوبین این رژیم ها کشته، معیوب و یا ترور سیاسی شده اند، باز هم روشن نیست. ولی درد آور آنست که در نتیجه همین سیاست های غیر مردمی و غیر ملی بود که از هردو جانب افغانهای مظلوم و بی دفاع بزرگترین ودیعه هستی یعنی حیات شانرا از دست داده اند و خون افغان بوسیله مرمی

های روسی، چینی، مصری، اسرائیلی، پاکستانی، ایرانی و غیره ریخته شده و محض ماشه تفنگ بدست افغان کشیده شده است. بهر حال از بحث مزید روی این همه مسائل که یک مبحث دراز است و در این مختصر نمیگنجد، منصرف میشوم و ادامه موضوع را فقط به بررسی همین لست پنج هزار نفری متمرکز می سازم تا زمینه ساز تدقیق و مطالعات بیشتر توسط محققین کشور گردد.

ماجرای افشای لست:

حفیظ الله امین : به تاریخ ۲۵ سنبله سال ۱۳۵۸ ش بعد از مختنق ساختن گلوی نور محمد تره کی بوسیله بالشت در خانه نام نهاد «خلق» قدرت مطلقه را احراز و مصونیت، قانونیت و عدالت را شعار سیاست حکومت خود قرار داد. امین که از همان لحظات آغاز کودتا در راس کودتاجیان صاحب قدرت منحصر به فرد و یکه تاز بود و در جنایات قبل از تاریخ فوق نقش عمده و اساسی داشت، بعد از قتل تره کی با احراز قدرت مطلقه کودکانه سعی کرد نشان دهد که جنایات ارتکاب یافته محصول گروپ وی نبوده و گناه آن را به گردن تره کی احاله کرده و لست دوازده هزار نفری را در دیوارهای محوطه درونی وزارت داخله نصب کرد. به ملاحظه تاریخ های مندرج لست پنج هزار نفری میتوان گفت که این لست در واقع یک بخش همان لست دوازده هزار نفری است که ده ها هزار هموطن داغیده و مظلوم از آن دیدن کردند. امین با اعلام آن لست تلاش داشت تا انتظار عامه را بطرف سیاست خویش معطوف نماید.

ببرک کارمل: مقارن با تجاوز بیشمارانه و آشکار قشون سرخ اتحاد شوروی بالای افغانستان در همان ماه جدی سال ۱۳۵۸ ش امر کرد تا یک لست زندانیان و قربانیان را توأم با اعلام به اصطلاح روز عزای ملی در جوار محوطه بیرونی زندان پلچرخی کابل نصب دارند. با اینکار یک بار دیگر ده ها هزار هموطن در پی دریافت سرنوشت موهوم عزیزان شان سیلاب وار به آنجا هجوم بردند و اما هیئات که هزاران هزار با چشمان پر اشک و دست خالی بر گشتند و بر فاجعه قرن یعنی رژیمهای هفت ثور و شش جدی نفرین فرستادند.

نجیب الله : شمار اعدامیان طی دور دوم حاکمیت نامیمون حزب دیموکراتیک خلق یعنی دوران کارمل - نجیب بالاتر از آن شمار نیست که حتی از تصور بالا است. نجیب بخاطر پوشاندن جنایات شخص خود هنگام تصدی ریاست عمومی خاد و جنایات رژیم پرچمی در آخرین روزهای زمامداری اش قبل از اینکه به محوطه نمایندگی ملل متحد در کابل پناهنده شود، امر نابود سازی آرشیف خاد را داد تا سندی از اعدام ها، شکنجه ها، بیداد ها و جنایات شخص خودش و زیر دستان خادیشش باقی نماند.

چهاردهم فبروری سال ۱۹۸۹م. روزیست که آخرین سرباز نیروی اشغالگر اتحاد شوروی سابق بعد از شکست پر افتضاح افغانستان را ترک و رژیم پوشالی و در حال شکست نجیب را تنها گذاشت. در اوائل نوامبر سال ۱۹۸۹م یکی از فعالین حقوق بشر، سیاستمدار انگلیس و بعد عضو پارلمان اتحادیه اروپای نیکلاس لارد بتیل که مأموریت دریافت سربازان گمشده و احتمالاً تبادل اسرای شوروی را منحیث میانجی به عهده گرفته بود، به کابل رفت و با غلام فاروق یعقوبی وزیر امنیت دولتی رژیم نجیب دیدار نمود. هرگاه به ترجمه انگلیسی همین لست نگاه سرسری بیاندازیم، در آغاز لست با این جمله برمخوریم (متن جمله): "ترجمه لست کشته شدگان که از طرف وزیر امنیت افغان مرحوم غلام فاروق به لارد بتیل در سال ۱۹۸۹م داده شده است. این لست در برگیرنده لست آنده زندانی های است که طی سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ ش (۱۹۷۸ - ۱۹۷۹ م) زندانی بودند. به خاطر شرح مزید ما به کاپی لست اصلی که در وب سایت نشر شده است مراجعه می کنیم. اغلاط ناشی از ترجمه احتمالاً در آن موجود است."^۱

^۱ -Translation of the death list as given by late Afghan Minister of State Security Ghulam Faruq to Lord Bethell in ۱۹۸۹. The list concerns prisoners of ۱۳۵۷ and ۱۳۵۸ (۱۹۷۸-۱۹۷۹). For further details we refer to the copy of the original list as published on the website. Translation errors might exist.

به این اساس معلوم میشود که لست مذکور را رژیم نجیب برویت همان لستی ترتیب کرده بود که سالها قبل اعلام گردیده بود. نجیب طی سیاست ناکام ولی با بُعد وسیع به اصطلاح «مصالحة ملی» خویش میخواست تیری دیپلماتیک به هدف خود بزند و از طریق واگذاری این لست چنان وانمود سازد که گویا رژیم برحال درواقع کیوتران سفید و پیام آوران صلح و آشتی بوده و جنایت نکرده اند، بلکه رژیم قبلی مربوط به همین حزب بود که طی زعامت تره کی - امین مرتکب جنایات شده اند، با اینکار متوقع بودند تا جامعه اروپایی مجاهدین را وادار به مذاکره با رژیم شان سازد.

راجع به معرفی لارد بتیل و یکی پیدیا چنین معلومات میدهد: «نیکلاس ویلیم بتیل چهارمین بارون بتیل یک سیاستمدار برتانوی بود که در ۱۹ جولای ۱۹۳۸م متولد و در ۸ سپتمبر سال ۲۰۰۷م وفات کرد. موصوف متخصص تاریخ اروپای مرکزی و شرقی و نیز یک مترجم و یکی از فعالین حقوق بشر بود. نامبرده از سال ۱۹۶۷ تا سال ۱۹۹۹م در مجلس اعیان برتانیه منحیث یک محافظه کار ایفای وظیفه میکرد.»

متن مقاله منتشره نیویارک تایمز

روز نامه نیویارک تایمز مؤرخ ۹ نوامبر سال ۱۹۸۹م با انتشار یک مقاله تحت عنوان "افغانها لست ۱۱۰۰۰ کشته شده را افشاء نمودند" به قلم جان. ف. برنز^۲، راجع به موضوع افشاء لست و تلاش حکومت نجیب چنین می نویسد:

«دولت افغانستان دست از راز سر به مهری برداشت و پذیرفت که اداره پولیس مخفی آن "خاد"^۳ در آغاز مراحل انقلاب کمونیستی خویش به تعداد ۱۱۰۰۰ زندانی سیاسی را کشته است....

این افشاء گری از طریق لستی صورت گرفته که حاوی نامهای قربانیان بوده و بوسیله پولیس مخفی تر تیب اثر یافته است و دلالت بر قرینه ای می کند که دولت کابل به تصدیق میزان وحشتی گردن نهاده که این دولت در آن بخصوص طی سالهای اخیر دهه ۱۹۷۰ دست داشته است.

این لست به تنهایی بازگوی بیست ماه اول حاکمیت دولتی است که تا ورود سربازان روسی در دسامبر سال ۱۹۷۹م دوام یافت. این خود دریچه این امکان را باز میکند که رقم ۱۱۰۰۰ نفری در واقع بخش کوچک ارقام دیگر است که قربانیان از زمان کودتای سال ۱۹۷۸م به بعد طی یازده سال بوسیله پولیس مخفی زجر، شکنجه و بقتل رسانیده شده اند.

مسلمانان یاغی (مراد مجاهدین است- م) برخوردار از حمایت امریکا میگویند که حدود ۸۰۰۰۰ نفر بوسیله خاد کشته شده اند، خاد همان سایه - نام دیگر دستگاه کی جی بی است. ارقام یاغیان (مراد مجاهدین است- م) دلالت بر شمار زندانیانی می کند که طی سالهای متمادی در زندانهای خاد از جمله زندان مخوف پل چرخ لا درک شده اند...

^۲ - JOHN F. BURNS, Special to The New York Times

^۳ خاد : ریاست و بعد به وزارت ارتقاء یافت که از اول جنوری سال ۱۹۸۰م به بعد تحت ریاست نجیب الله از کام یا کارگری اطلاعاتی مؤسسه به خدمات امنیت دولتی ارتقاء یافت. کام خود به نوبه شکل تغییر یافته آگسا است. از اپریل سال ۱۹۷۸م تا سپتمبر سال ۱۹۷۹ م اکسا تحت ریاست اسد الله سروری به پیش رفت. از سپتمبر سال ۱۹۷۹ م تا دسمبر سال ۱۹۷۹ م ریاست اداره کام را اسد الله امین به عهده داشت. از جنوری سال ۱۹۸۰م تا ۲۱ نوامبر سال ۱۹۸۵م اداره خاد بدست نجیب الله بود. از ۶ دسمبر سال ۱۹۸۵ م تا اپریل سال ۱۹۹۲ م وزیر وزارت خدمات اطلاعات دولتی غلام فاروق یعقوبی بود. در اپریل سال ۱۹۹۲ م دولت نجیب سقوط میکند و نام خاد به واد تبدیل میشود و اداره آنرا برای چند روز محدود از ۱۶ اپریل سال ۱۹۹۲ م تا ۲۸ اپریل همین سال یک پرچی بنام سلطان عثمانی به پیش می برد ولی بعد از آن یعنی از اپریل سال ۱۹۹۲ م تا دسامبر سال ۲۰۰۴ م اداره واد را محمد قسیم فهیم به پیش می برد. آنچه مربوط به نام خاد است در واقع نام خاد همان شکل حفظ شده کی جی بی Комитет государственной безопасности КГБ СССР یا کمیته امنیت دولی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است و حتی نشان های رسمی آن عین همان نشانی است که خاد از آن کاپی کرده است ؛ در واقع نامهای خاد و کی جی بی از لحاظ شکل و محتوی با هم هیچ نوع تفاوت ندارند. درین مقاله مراد مقاله نویس باید همان ادارات کام و اکسا باشد. - م

لست قربانیان یک سند تایید شده ای متجاوز از ۱۰۰ صفحه است که حاوی نام، تاریخ گرفتاری و شماره زندانی کشته شده است؛ در زمره کشته شدگان نام دو صدراعظم نور احمد اعتمادی و محمد موسی شفیق هم است که قبل از کودتای سال ۱۹۷۸ م ایفای خدمت نموده بودند^۴.

این لست تصریح نمی دارد که قربانیان چگونه و چطور کشته شده اند. روایات شایع شده در کابل، پایتخت افغانستان مشعر از آنست که زندانیان به خندق های حفر شده پرتاب و زنده به گور شده اند و یک تعداد دیگر در حالیکه دستها و پاهای شان بسته شده بودند، به روی زمین خوابانیده شده و تانکها را بالای شان عبور داده اند. شایعات دیگر حاکی از آنست که زندانیان را به پولیگون ها می آوردند، به قطار ایستاد میکردند و نظامیان تازه استخدام شده حین تمرین نشان زنی، زندانیان را نشانه می گرفتند.

این لست هفته گذشته طی ملاقات میان رئیس پولیس غلام فاروق یعقوبی و سیاستمدار ۵۱ ساله برتانوی لارد نیکلاس بتیل در کابل به لارد بتیل داده شد؛ لارد بتیل یکی از کمپاینران حقوق بشر و مربوط به جناح محافظه کار و عضو پارلمان اروپاست. موصوف طی مصاحبه در پشاور "تأثرات عمیق خود را" ابراز کرده گفت که آقای یعقوبی این لست را توأم با معذرت سپرده و وی آنرا در پشاور به رهبران یاغیان (مجاهدین - م) سپرد. لارد بتیل گفت که موصوف "یعقوبی" تأثرات عمیق خود را نسبت به جنایاتیکه بوسیله حکومت افغان به سر رسیده اظهار داشت.

این لست موجی از تکانها را اینجا در بین سه میلیون مهاجر افغان ایجاد کرد، اکثریت شان از کشته شدن زندانیان زمانی آگاهی یافتند که در آغاز سال ۱۹۸۰م نام کشته شدگان در جوار زندانها و نظارتخانه ها بصورت اتفاقی از طریق رژیم نصب شده بوسیله کرملین به این امید آویزان شدند تا برای مداخله شوروی دلیل مؤجه بتراشند و گویا بخشی از وحشت رهبران سابق را به نمایش گذاشته باشند.

افشای نامهای قربانیان در واقع بخش ستراتیژی وسیع حکومت نجیب الله بوده تا بدینوسیله نقش خود را (در قتل و کشتار - م) کاهش دهد.... "لینک مقاله را در پا ورقی مشاهده کنید". (پایان مقاله)

بنابراین به اثبات میرسد که نشر مجدد این لست حرف تازه ای در ماتمسرای افغانها نیست ولی آنچه مبرهن است همانا استفاده ابزاری از آن طی زد و بند های سیاسی است، به این شرح:

حامد کرزی: از قراین چنین به نظر میرسد که جناب حامد کرزی نه تنها از موجودیت این لست آگاه بود، بلکه آنرا بعد از همان سفر لارد بتیل در دست داشت و آنرا مطالعه کرده و از حقایق آگاه بود. با نام و مقالات تاریخی جناب احسان الله مایار که یکی از وطنپرستان و سیاسیون نامور کشور اند اکثریت ما و شما آشنایی داریم که در پروسه های روم و قبرس آنوقت فعال بودند و یکجا با حامد کرزی از چنین واقعیت تلخ آگاهی داشتند. جناب احسان الله ماریار مسئولیت اخلاقی و وجدانی شانرا منحصیث یک سیاستمدار آگاه و نویسنده متعهد رفع کرده اند، ولی کسی به آن وقعی نگذاشته است. به مقالات منتشر شده جناب مایار منتشره پورتال ملی و وزین افغان جرمن آنلاین نگاهی انداخته و نکات مهم آن دو مقاله را درینجا درج می کنم.

^۴- یادداشت: نامهای مرحومین نور احمد اعتمادی و محمد موسی شفیق در لست موجود به نظر نمی رسند. جنایتکاران خلقی - پرچی ایکه این لیست را ترتیب کرده اند در لیست بصورت بسیار نامردانه و بیشرمانه اصطلاح عام "بیکار" را در مورد عده زیاد بکار برده اند. این اصطلاح را من در مورد یک تعداد اشخاصی که با نامها و شغل شان آشنایی داشتم یا سیاستمدار، یا انجنیر، یا داکتر و یا رهبر یکی از گروه های مبارز بودند. اگر نامهای نور احمد اعتمادی و یا مرحوم محمد موسی شفیق را بدون ذکر تخلص درج کرده باشند چیزی گفته نمی یوانم و یا هم احتمال دارد در لیست بعدی ای که قرار است نشر شود به نظر برسند. - رحمت آریا

جناب مایار به تاریخ ۳ / ۸ / ۲۰۱۲ در پورتال افغان جرمن آنلاین مقاله ایرا تحت عنوان "تولد قاتلین ملت" به نشر رسانده اند که در صفحه دوم و در پاراگراف سوم آن چنین میخوانیم: "قتل و قتلایکه در طول حاکمیت کمونیستها در افغانستان صورت گرفته بایست تا این جهان وجود دارد، فراموش ملت افغان نگردیده و نسل بالانسل در تاریخ افغانستان بازتاب گردد. مدتی قبل این قلم گزارشی را از مذاکرات بین حضرت مجددی و لارد بتیل انگلیسی و هیئت معیتی وی در دفتر رئیس جمهور جلالی وطن در پشاور تدوین نموده که در آرشیف پورتال افغان جرمن آنلاین موجود می باشد. در این سند روی فرستادن کتاب قطوری که در آن لست ۱۲۰۰۰ نفر مردمان مسلمان توسط پایدو های کمونیست حفیظ الله امین به شهادت رسیده بودند و از طرف داکتر نجیب الله رئیس جمهور افغانستان به حضرت مجددی توسط لارد موصوف فرستاده شده بود، مذاکرات صورت گرفت. از این گزارش بیش از بیست سال سپری گردیده و تا امروز خبری از بازخواست این انسانها نشنیده و ندیده ام. چرا؟"

آقای مایار در ادامه می نویسند: «من معتقدم که آدمکشان خلق و پرچم منبعث به خلقت آدمکشان بعدی گردیده و ازینرو اسلاف آدم کش خالق اخلاف آدمکشهای امروزی بوده لیک بخاطر تأمین منافع شخصی دست مؤدت و برادری!! با هم داده و در افغانستان امروزی یکجا در قدرتند و ملت بیدفاع را بیرحمانه می کوبند. این است ورقی از آن تاریخ و حقیقت آن. استدلالی که می نمایم میان تهی نبوده زمانه، گروه های دیگر که مرتکب جنایات و قتل مردم بیگناه افغان شده اند، اسناد آنرا در دستم سپرده و به چشم سر دیده و شنیده ام.» (در پا ورقی به لینک مقاله فوق رجوع نمایید^۱)

مقاله دیگر جناب مایار در پورتال افغان جرمن آنلاین حدود یکسال قبل از مقاله فوق به تاریخ ۲۴ / ۱۲ / ۲۰۱۱ تحت عنوان "آسیای عدالت بطی می چرخد، لیک می چرخد" به نشر رسیده است. در صفحه دوم این مقاله بعد از پاراگراف دوم چنین میخوانیم: "نشر خبر به چنگ عدالت افتادن یک جنرال سخیف خاد و یا واد و یا هر نامیکه بوده، در آلمان قلمیست ارزنده که امید است مردم ما را بیدار نماید و صدای بی صوت زیر خاک خفتگان بیگناه ما را به گوش جهانیان برساند و در پی داد خواهی دروازه هر دادگاه را بکوبند."

من با صراحت کامل بیش از همه به رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان، آقای حامد کرزی، اشاره می نمایم و اکیداً تقاضا دارم تا حق مردم بی گناه افغان را منحیث حامی مردم افغان چه زنده و چه مرده پایمال نکنند.

از سال ۱۹۷۸ م باینطرف بزرگترین فجایع قرن بیست بالای ملت افغانستان، چه توسط خود افغانها و یا یک کشور خارجی، تحمیل گردیده است که صدای چیغ داد خواهی شان به هفت آسمان میرسد. رئیس جمهور افغانستان باید بداند که با پوشیدن لباس که هر پارچه آن مبین از یک کتله قوم افغان می باشد حق مردم را به کرسی نشانده نمیتواند.

آقای مایار در ادامه رئیس جمهور کرزی را مخاطب قرار داده، چنین مینویسند:

«آقای رئیس جمهور! میخواهم از گذشته ها به شما یادی نمایم. بخاطر خواهید داشت که در یک جلسه خاص، تحت ریاست جناب حضرت صبغت الله مجددی شما، من حیث سکرتر شان و بنده من حیث مشاور شان جهت مذاکره با هیئت انگلیسی که ریاست آنرا لارد بتیل، شخصیکه بین روسها و مجاهدین بمنظور تبادل اسرای جنگ میانجیگری می نمود، در پشاور اشتراک داشتیم؟

اگر به خاطر داشته باشید لارد بتیل که مستقیماً از کابل به پشاور آمده بود پیغام کتبی از جانب داکتر نجیب الله به حضرت مجددی داشت که متن آنرا هر دو، من و شما مطالعه کردیم. بر علاوه آن لارد موصوف لست مجلد قطوری که پستی سفید داشت به حضرت مجددی داد و گفت که این لست دوازده هزار نفری است که در زمان حفیظ الله امین کشته شده اند. لست را گرفتم و در لابلای آن ورق زدم. اکثر اشخاصیکه کشته شده بودند در اخیر نام شان متهم به "اشرار" اضافه شده بود. در ختم مجلس طولانی آن روز لست مجلد را شخصاً به شما (آقای کرزی) سپردم. سؤال کوتاه به شما راجع میشود که: بعد از آنکه شما مالک تاج

^۱ - http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/e_mayar_tawalod_gatelin_melat_afghan.pdf

و تخت افغانستان و منحيث حامی ملت افغان که صيانت و حراست شان اصل وظیفه تان هست، منصوب شديد در باره اين لست چه اقدامی نمودید؟

آقای کرزی! قدرتی که امروز به شما تفویض گردیده هیچ یک از زمامداران افغانستان در طول تاریخ افغانستان مالک آن نبودند. شما مجهز به ساز و برگ نظامی و آرگاه و بارگاه دولتی هستید که می‌توانید با قوت الظهر آن هر گونه خدمتی به نفع ملت افغان رویدست بگیرید و کسی مانع شما شده نمیتواند.

فکر می‌کنم که اولین وظیفه شما به داد رسیدن ملت افغان است که بایست در رأس کار روزمره شما قرار داشته باشد. متأسفانه شما نه تنها به داد خواهی مردم اعتنا نمی‌نمایید بلکه شما به "حکم" خود ذریعه یک فرمان ریاست جمهوری افغانستان قاتلین مردم افغانستان، چه راست و یا چپ، را در حساسترین مقام دولت قرار می‌دهید که تا هنوز هم بالای ریش مردم بخندند.

من از رویدادیکه در حضور شما صورت گرفته یاد می‌نمایم که یکی از وزرای برحال و با قدرت امروزی تان جهت تأیید نظر یکی از مقربین تان چنین اظهار نموده است: "جمله ریاست های وزارت مربوط را خلقی ها و پرچی ها اشغال نموده اند." یک لحظه بیاندیشید و خدا (ج) را بالای سر تان حاضر و ناظر ببینید که آیا چنین صحنه در حضور شما بالای سفره طعام چاشت رخ نداده است؟" (در پا ورقی به لینک مقاله مذکور مراجعه نمایند^۷)

پس چنین به نظر میرسد که آقای حامد کرزی نه تنها از موجودیت لست آگاهی داشته بلکه دهه ها قبل آنرا از سر تا به آخر خوانده و در دست داشتند. حامد کرزی منحيث رئیس حکومت دوره انتقالی و دو بار به اصطلاح رئیس جمهور منتخب افغانستان مسئولیت ملی، اخلاقی و وجدانی داشتند تا در همان آغاز به ندای پروسه عدالت انتقالی لبیک می‌گفتند و با هر قیمتی که می‌شد این پروسه را عملی می‌ساختند. برعکس جناب کرزی با رویدست گرفتن مضرترین سیاست مصلحت و سازش صرف بخاطر بقای قدرت چند روزه همه آمال و ابدیال های عدلی را زیر پا گذاشته و بدور خود شنیع ترین عناصر معلوم الحال و جانی را جمع کرده ندای عدالتخواه ملت را در گلو خفه ساختند.

سوالاتی از رئیس جمهور کنونی کشور مطرح میشود که به جز از وی کسی دیگری نمیتواند به آن پاسخ ارائه نماید.

- آیا رئیس جمهور کنونی افغانستان از همان آغاز ریاست جمهوری شان تا چند روز قبل که لست مورد بحث به نشر رسید، از موجودیت آن آگاهی داشتند؟

- اگر داشتند چرا در همان روز های آغاز دست به افشای آن نزدند؟
- چرا صادقانه امانت سپرده شده به وی را به پیشگاه مردم تقدیم نکردند؟
- آیا این لست و شاید هم لست های دیگر نمی‌توانست مسئله عدالت انتقالی را تقویت بخشد؟
- آیا مسئله عدالت انتقالی دیباچه کار حکومت انتقالی وقت را به پشتیبانی و خواست جامعه جهانی و مدنی افغان تشکیل نمیداد؟

- آیا چشم امید همه به مأمول تأمین عدالت انتقالی دوخته نشده بود؟
- آیا با زودون جانیان جنگی، در همکاری با محکمه بین المللی، سازمانهای حقوق بشر با ایجاد یک محکمه و دیوان قضائی مشخص و کاملاً عادلانه، کافه ملت عدالتخواه در عقب وی نمی‌ایستاد؟

^۷ - http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/e_mayar_asiyae_adalat_bati_lek_metsharkhad.pdf

▪ و سرانجام با رویکار آوردن مجدد همان چهره های منفور و خائن خلق و پرچم، جنگسالاران و غیره آیا پروسه عدالت انتقالی سبوتاژ نشد؟

▪ آیا فریاد عدالتخواه ملت در گلو خفه نشد و بر زخمهای سه دهه نمک بیشتر پاشیده نشد؟

آنچه در باره راپور اخیری که پیرامون چگونگی شرح این لست به نشر رسید و گفته میشود که گویا نماینده خاص ملل متحد فیلیکس ایرماکورا^۸ این لست را به کدام خانم مهاجر افغان مقیم آلمان سپرده است شک دارم. گمان نمی کنم که نماینده خاص ملل متحد برای افغانستان که در سال ۱۹۸۵م راپوری را تحت عنوان " زیر پا کردن فاحش حقوق بشری در افغانستان بوسیله نیرو های شوروی" تهیه و به ملل متحد سپرد، تجربه کافی در امور حقوق بشر داشته و دو بار که از سال ۱۹۵۹ تا سال ۱۹۸۰م و بعد از سال ۱۹۸۴ تا سال ۱۹۸۷م تصدی ریاست کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد را به عهده داشت اینقدر ساده و بی فکر بوده باشد که لست آغشته بخون دوازه هزار شهید را به یک خانم نا آشنا و خموش و بی زبان افغان در جرمنی بدون داشتن هیچ نوع مسئولیت و تصدی کور کورانه بسپارد. آنچه تصور میشود، آنست که این خانم به گمان قریب به یقین یکی از اراکین برجسته و معلوم الحال حزب دیموکراتیک خلق و احتمالاً جناح پرچم بوده که با داشتن دسترسی به منابع " خاد" این لست را تصاحب و حین فرار بطرف غرب به این امید با خود آورده باشد که هم از آن به نفع خود و هم به نفع سائر فراریان پرچمی استفاده ابزاری نماید. طوریکه در پا ورقی صفحات قبلی گفتیم بعد از فرو پاشی رژیم نجیب الله و استقرار حکومت مجاهدین ریاست خاد را که تازه به " واد" تغییر شکل داده بود، یک پرچمی بنام سلطان عثمانی به عهده داشت یعنی از ۱۶ اپریل سال ۱۹۹۲ تا ۲۸ اپریل همان سال برای دوازده روز رئیس عمومی " واد" بود که بعد جایش را معاون اول رئیس جمهور کنونی محمد قسیم فهیم گرفت. شخصیکه بنام امان الله عثمانی از آن نامبرده میشود، اگر نامش درست باشد باید یکی از منسوبین خاد جناح پرچم و یکی از اقارب خانوادگی احتمالاً برادر سلطان عثمانی باشد و یا هم شخص خود سلطان عثمانی است که نامش را به امان الله عثمانی تغییر داده است والله اعلم.

آنچه را می خواستم به ثبوت برسانم، اینست که ازین لست بخون نوشته شده شهادی بیگانه و معصوم کشور تا چه حد و تا چه اندازه استفاده ابزاری صورت گرفته است. سیاستمداران کشور از نجیب تا کرزی همه از آن بخاطر اهداف دیپلماتیک و همچنان منسوبین " خاد" و خاصاً جناح پرچم از آن بخاطر دست یابی به پناه گزینی در غرب همه و همه از آن آگاهانه و ناجوانمردانه استفاده کرده اند. اگر واقعاً وجدان انسانی بیدار موجود می بود هرگز از آن چنین استفاده ها نمی شد. اگر لست جنایات در کشور از همان بدو کودتای خونین هفت ثور تا کنون تهیه می بود و در اختیار مجامع مدنی و سازمانهای حقوق بشر و یا در اختیار یک کمیته خیر اندیش و کاملاً بیطرف افغانی قرار می داشت، هرگز کسی جرئت استفاده از آنرا نداشت و ظالم و ستمگر به پنجه عدالت سپرده میشد.

هموطن عزیزم! عدالت یک ابدیال است که تأمین آن در چوکات قانون و در جامعه قانون محور متصور است. من و تو می بینیم که سیاسیون فاسد کشور حتی از خون همان شهادی بی مزار و بی کفن استفاده ابزاری می کنند. یگانه کاریکه من و تو کرده میتوانیم همانا مستند سازی جنایات است. شاید روزی فرا رسد و گوش شنوایی پیدا شود که فریاد عدالتخواهی من و تو در تار و پود وجودش به تکاپو آید. شاید برای تألیخ و محققین کشور من و تو اهمیت داشته باشد. من پیشنهاد می کنم تا یک دیتا بینک (databank) خاص از طریق یک پورتال و یا سایت انترنتی تهیه شود و تصدی آنرا اشخاصی داشته باشد که مورد اعتماد خانواده های شهدا باشند.

^۸ - Felix Ermacora (October ۱۳, ۱۹۲۳ – February ۲۴, ۱۹۹۵)

انتشار این لست شمه ای از جنایاتی است که طی بیش از سه دهه اخیر در کشور بوقوع پیوسته است. نبود یک مرجع قابل اعتماد برای ثبت و تثبیت جنایات، دست جانیان و جلادان را آزاد گذاشته و تا سرحدی آزاد اند که همان جنایتکار دیروز با بروت و ریش و نکتایی و پکول و لنگی در تلویزیونها بنام کارشناس امور سیاسی، نظامی و اقتصادی ظاهر میشوند. اشخاصی چون شهناز تتی، فقیر محمد فقیر و بکتاش و غیره از آن بنام "دفاع مشروع" از "رژیم مشروع" دفاع می کنند. هیئات اگر ذره از قانون و وجدان و شرف انسانی وجود میداشت هرگز چنین حرفی را بزبان نمی آوردند. همه میدانند که در همان آغاز روز های کودتا به جز از کودتاچیان کسی دیگری اسلحه بدست نداشت، اگر بغاوتی صورت گرفته است صرف عکس العمل جمعی مردم در برابر یک رژیم غیر مشروع و دست نشانده بود. ولی کودتاچیان مغرور، نو به قدرت رسیدگان تشنه بخون از هیچ چیز صرفه نمی کردند. توانایی شنیدن صدای مخالف را نداشتند و تحت نام به اصطلاح "دیکتاتوری پرولتاریا" دود از دمار مردم بیگانه و بی دفاع بیرون آوردند و آینده سازان و نونهالان کشور را بدون محاکمه و تحقیق و پرس و پال به پولیگونها روانه کردند. با ذکر این نکته که خون هر افغان بی گناه مقدس است ولو به هر جناح و گروهیکه منسوب بوده است، ولی مقدس تر از آن همان خونبست که به هیچ یکی از گروه ها وابسته نبوده است.

قصه و داستان مظلومیت شهدای بی مزار و بی کفن کشورم، داستان شهدای زنده یعنی بازماندگان و ورثه آن شهدای عزیز چون "قصه الف لیلا" شرحی دارد بی انجام ولی آغازی دارد که انجامش به امتداد لایتناهی تا ناکجا آباد منتهی میشود.

ساختار لست:

لست کشته شدگان از سایت www.warcrimes.nl مقیم هالند بدست آمده است. این سایت به نام Internationale Misdrijven یا سایت مربوط به جرایم بین المللی است. در همان آغاز ازین سایت سه لست را می توانستیم دَونلود نماییم

- ۱- لست اصلی به فارمت پی دی ایف که بوسیله تایپ قدیمی نوشته شده و در پهلوی هر نام شماره گذاری قلمی را با اعداد انگلیسی میتوان مشاهده کرد

- ۲- کاپی همین لست به فارمت مایکروسافت ورد

- ۳- ترجمه همان لست به انگلیسی به فارمت پی دی ایف

- ۴- مجموعه یکتعداد مکاتیب که مربوط به همین لست اند

در لست اصلی نام، ولد، محل سکونت، شغل و نوع اتهام یا جرم ذکر است. این مشخصه از اول تا آخر لست به ملاحظه میرسد ولی در لست عناوین نام، ولد، محل سکونت، شغل و نوع اتهام یا جرم ذکر نیست. آنچه بشکل واحد در لست آمده همانا نام و ولد و نوع جرم است که بدون تغییر یکی پی دیگر در جاهای مشخص آمده است. شغل و محل سکونت شکل همآهنگ ندارد گاهی شغل اول آمده بعد محل سکونت و گاهی برعکس. در اکثر جاها از ولسوالی و قریه، شهر و یا گذر مربوطه ذکر شده است نه از ولایت، در بعضی جاها از ولایت مربوطه ذکر بعمل آمده است.

انواع اتهام یا جرم :

بزرگترین رقم را چنانچه در جداول زیر نشان داده شده است اولاً اخوانی و اخوان، بعد اشرار و متعاقب آن خمینی و خمینیست تشکیل میدهد. اتهامات و یا جرایم دیگر عبارتند از: مائویست و شعله یی، افغان ملت، ستمی، سکتاریست، اشراف و توطئه. اتهامات دیگر هم به نظر میرسند: مثلاً

- خریداری تفنگ شکاری و یا موش کش و یا کارتوس آن جهت اخلاص منطقه

- در محضر عام رهبر توانای خلق را دشنام داده است

- ضد انقلاب
 - تبلیغ منفی
 - همکار اشرار
 - برای اشرار یک و یا چند موتر آرد را انتقال میداد
 - به اشرار راپور منطقه را میداد
 - اشرار است
 - طرفدار حکومت ظاهر- داؤود است
 - به ارتباط توطئه
 - به ارتباط پیرزاده
 - به ارتباط سیلاب صافی
 - مجددی
 - موتر شان در خدمت اشرار است
 - اشرار لوگر
 - اشرار غزنی
 - اشرار پکتیا
 - اشرار گردیز
 - اشرار پنجشیر
 - اشرار هرات
 - مستقیماً در جبهه جنگ دستگیر شده است
 - در راه ایستاد بود و پیشروی موتر را گرفته بود
 - جاسوس
 - از طرف اشرار دستوری آمده
 - قرار مکتوب گروپ اجراءت پکتیا یازده نفر در جنگ علاقداری سهم داشته و از جمله اشرار درجه اول می باشد
 - فرزند سید کیان است
 - به ارتباط گلبدین
 - توطئه رسول جان
 - در صحنه جنگ مسجد سبز از صحنه جنگ دستگیر شده
 - با بیرق سفید که روی آن الله اکبر و "کلیمه" نوشته شده بود بالفعل و بیرق بدست گرفتار شده
 - طرفدار دولت ایران و امثالهم
- در ختم لست در پهلوی یک تعداد نامها اصلاً جرم و یا نوعیت اتهام ذکر نیست. طور مثال در وسط لست در یک جای نام اشرافی ذکر شده و بعد که نامهای متجاوز از شصت نفر محصلین و استادان پوهنتون درج گردیده است ، این مشخصه سفید

گذاشته شده، مگر در ترجمه انگلیسی و لست دری که در مایکروسافت ورد نوشته شده متعاقب نام اشرافی در پهلوی هر نام بعدی ایضاً " " آمده و آنها را اشتباهاً و یا عمدتاً در زمره اشرافی آورده اند. این مسئولیت تایپست های انگلیسی و دری بود که امانت را طبق لست اصلی همچنان حفظ میکردند. در اخیر لست یکتعداد زیاد نامها هم همین مشخصه را ندارند که نوعیت به اصطلاح جرم شان ذکر نیست.

- تناقض:

با ملاحظه لست اصلی و مقایسه آن که به ترجمه انگلیسی و دری نوشته شده به فارمت مایکروسافت ورد در می یابیم که چند نام اضافی درین لست ها جابجا شده اند که در لست اصلی موجود نیستند و یا یکتعداد نامها یا عمدتاً و یا سهواً در هر دو لست های انگلیسی و دری بملاحظه نمیرسند، حال آنکه در لست اصلی موجود اند. در ختم ترجمه انگلیسی حدود ده نام اضافی درج شده اند که در لست اصلی موجود نیستند. در هردو لست یکتعداد نامها و یا ولد شهدا به شکلی نوشته شده اند که با لست اصلی مطابقت ندارند. عین مشکل را در بعضی حصص در قسمت جرم، محل سکونت و یا شغل ملاحظه می کنیم. همه این تناقضات را بوسیله رنگ آبی نشانی کرده ام.

به فایل اصلاح شده دری به فارمت مایکروسافت ورد که قبلاً به وسیله تایپست دری تایپ شده بود، مراجعه کنید.

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_WORD/Death_List_Internetversion_Dari.doc

- اغلاط انشائی:

بدون تردید هیچکس کامل نیست و در اغلاط انشائی تایپست های دری و ترجمه متن انگلیسی را گنهکار نمی دانم ولی ملامت به بی توجهی می دانم. زیرا هر کلمه و هر حرف مطابق لست اصلی یگانه نشانه بازمانده از همان شهید مظلوم، بی گور و بی کفن است که باید بصورت امانت مقدس حفظ می شد و توجه عمیق به آن مبذول می گشت. خیلی ساده است که نام حسن به حسین بدل شود ولی برای ورثه شهیدیکه نامش حسن بوده و بعد از سی و پنج سال همه مشخصات شهیدش را به جز از تبدیلی نامش می بیند، خیلی درد آور است و یا شاید هم تصور کند که این نام مربوط کدام شهید دیگر است. همین مشکل در قسمت نامهای که به "الله" می انجامند دیده میشوند، مثلاً عصمت الله، صفت الله، حشمت الله، نعمت الله و غیره. مشکل در چاپ عکسی یا فارمت پی دی ایف سند اصلی هم است که رنگ نوشته ها بشکل نوشته های سوخته و رنگ باخته در آمده و خواندن نام و یا سایر مشخصات را خیلی مشکل می سازد و در بعضی جاها چنان مشکل است که حتی قابل خواندن نیستند. متعلم به آسانی معلم شده میتواند. ولی در اغلاط املائی این گناه را هیچ خط خوان بخشیده نمی تواند که کسی ملازم کودکان را ملای کودکان یا ملا امام کودکان بنویسند در حالیکه در متن اصلی هیچ نوع مشکلی در خواندن همین مثال مشخص وجود ندارد.

- تغییر کلمات به اصطلاحات امروزی:

ظاهراً تایپست دری در بعضی جاها تحت تأثیر مصطلحات نوین ایرانی قرار داشته و کلمات پوهنخی را به دانشکده و دانشگاه و یا دهقان و زارع را به کشاورز و یا دریور را به راننده و امثالهم تبدیل کرده است. و یا محمد هاشم را محمد هاشیم نوشته و یا محمد خادم را خادیم و یا خاندوی را مأمور پولیس نوشته و ده های مثال دیگر ازین قبیل. یک مثال جالب دیگر که شاید تایپست در خواندن اشتباه کرده باشد این است: کسیکه شغلش علاف است و اتفاقاً جرمش حرکت اسلامی نوشته شده و تایپست سند اصلی آنرا "حرکت اسلام" نوشته است ولی تایپست دری ما همین "علاف" را "خلاف" نوشته و جرم را هم پهلویش اضافه کرده و از آن قصداً "حرکت خلاف اسلام" ساخته است. روح شهیدیکه حیات و مماتش را در راه وطن و اسلام فدا کرده است، چه خواهد گفت و یا خانواده و دوستانش چه تصور خواهند کرد؟ تایپست دری اصلاً حق تغییر یک حرف و یک کلمه را ندارد. تایپست مسئولیت دارد تا نقل را مطابق اصل بنویسد و از اصل سندیت و اعتبار سند اصلی نکاهد، تایپست معلم زبان نیست که مصطلحات متن اصلی را درست کرده و هر آنچه میل نازنینش خواسته باشد، بنویسد. در جاهای که تایپست قادر به خواند

حصص سند اصلی نشده است خاصاً در قسمت شغل، از خود چیز های را نوشته اند که با متن اصلی اصلاً سر نمی خورد. در بعضی جاها نامها به اساس شماره های اصلی نیامده بلکه پنج تا شش نام بالا و پائین شده اند. کارمند یک اصطلاح مسخ شده و منحصر به مأمورین استخباراتی در زمان حاکمیت بعد از کودتا بود، ولی تاپیست دری ما بدون ملاحظه و احتیاط کلمه مأمور را به کارمند تبدیل کرده است. سائر مثالهای فراوان درین لست دیده میشود که صرف با ملاحظه و مطابقت به لست اصلی میتوان به آن پی برد.

بنابراین با متوجه شدن به این اشتباهات وظیفه و مسؤولیت اخلاقی خود شمردم تا لست را از سر مطابق لست اصلی ترتیب نمایم. اجرای این کار برای یک شخص در یک مدت کوتاه آسان و حتی مقدور نیست ولی من شب و روز بلاوقفه نشستم. لست اصلی، لست دری به فارمت میکروسافت Microsoft Format ورد Word و لست انگلیسی را باز کردم. فایل File دیگر را در کمپیوتر به فارمت ایکسل Excel گشودم. یکایک نامها را با همه مشخصات آن بعد از مقایسه هر سه فایل در فایل خود به هر دو زبان رسمی کشور یعنی پشتو و دری نوشتم. در هر جائیکه مشکل داشتم در مقابل آن ملاحظه خود را نوشتم. در جاهائیکه در متن اصلی مشکل خواندن داشتم بعلت رنگ باختگی رنگ نوشته نامها و یا کلمات قریب به آنرا نوشتم. در جاهائیکه نوشته قابل خواندن نبود ملاحظه خود را نوشتم که کلمه و یا نام قابل خواندن نیست. من در برابر هر کلمه و هر نام که با چنین مشکلی مواجه شده ام سعی بیدریغ و نهایت خود را کرده ام. حتی همان قسمت را به پروگرام فوتو شاپ Photoshop به این امید انتقال داده ام تا اگر بتوانم با تغییری رنگ و گرافیک Graphic سند اصلی، قادر به خواندن آن شوم. بدینگونه من در فایل ایکسل خود بخاطر آسان سازی و فلتر Filter نمودن مجبور بودم یک نوع تغییر اندک تکنیکی را بپذیرم و آن اینکه اگر شغل و یا سکونت " پس و پیش" آمده بودند آنرا در همان ستونی Column آورده ام که من به آن اختصاص داده ام. هر مشخصه فوق الذکر در ستون مربوطه آمده است و بدینگونه یک نوع توحید هماهنگ بمیان آمد. بخاطر سهل ساختن مرحله فلتر از نامهای ولسوالی ها و یا علاقه داری میدانستم که مربوط کدام ولایت طبق تقسیمات واحد های اداری آنوقت اند. بنابراین نام ولایت را قبل از ولسوالی یا علاقه داری و یا شهر اضافه کرده ام تا در مرحله فلتر نمودن سهولتی برای خوانندگان بخصوص ورثه شهداء بمیان آمده باشد. در فلتر نمودن اگر قرار باشد ما نام شهدای یک ولایت از میان پنج هزار نفر فلتر نمایم، میتوان به آسانی آنرا فلتر نمود. همین سهولت را در قسمت شغل و یا جرم هم میتوان بکار برد. همه اینها بخاطر آسان سازی در پیدا کردن یک نام بمیان آمده اند. در دو قسمت مشکل داشتم و آن بهسود ولایت وردک و بهسود ولایت ننگرهار ، و قره باغ ولایت غزنی و قره باغ ولایت کابل بود. ظاهراً به ملاحظه اسم شهید میتوان حدس زد که نامبرده مربوط به کدام ولایت است ولی بخاطر حفظ اصل امانت، من به حدس و گمان متصل نشده ام بلکه آنچه را که در متن اصلی موجود بود همانطور در فایل خود امانتاً نوشتم. در مرحله تطبیق نامها با لست های متذکره همه اغلاط و اشتباهات متن دری را به فارمت میکروسافت ورد به ترتیبی اصلاح کرده ام که غلطی و یا اشتباه تاییبی را اولاً با رنگ سرخ خط زده و با رنگ آبی شکل درست آنرا نوشته ام که کاپی آن حضور خوانندگان تقدیم است.

تکمیل نمودن بخش آخر کار:

شک نیست که کار انجام شده ام از لحاظ تحقیقی مکمل نیست. آخرین کاریکه باید درین قسمت صورت گیرد، همانا تطبیق نامها با مکاتیبی است که از سایت متذکره با تاریخ، شماره صادره مکاتیب و غیره مشخصات گرفته شده است. شاید تعداد زیاد نامها با این مکاتیب مطابقت نه کند ولی آنچه موجود اند باید مطابقت داده میشد و در ستون دیگر تحت ملاحظات اضافه می شد. اگر صحت و حوصله یاری کند این بخش را نیز تکمیل خواهم کرد. ولی تا جائیکه بعضی صفحات مکاتیب و نامهای مندرج در مکاتیب را با لست اصلی از طریق عمیله فلتر در ایکسل انجام داده ام، این نامها با نامهای لست اصلی سر نه میخورند. بنابراین معلوم میشود که اکثریت نامهای مکاتیب مربوط به این لست نیستند و ایجاب می کند تا لست دیگر از روی مکاتیب تهیه گردد. باید اضافه نمایم که بعد از تصحیح، تدقیق و مقابله هر سه لست مشابه برای بار اخیر یکبار دیگر لست تهیه شده خود را با لست اصلی و دولست دیگر یعنی لست دری در میکروسافت ورد و ترجمه انگلیسی آن مقایسه و تطبیق کردم. در جاهائیکه نام پدر، محل سکونت، شغل و یا جرم ذکر نه شده آنرا با علامت سوالیه نشانی کرده ام. در بخش ستون جرایم نیز عین توجه را مبذول داشته در جاهای که ذکر نشده یا ملاحظات خود را نوشته و یا با علامت سوالیه نشانی کرده ام.

دو نکته قابل یاد آوری : درین لست نام سه تن از اهل هنود افغان هم به نظر میرسد که یک تن شان به اتهام اخوانی و دو تن دیگر شان به اتهام مائویست کشته شده اند. مزید بر آن، نام دو تن خانم افغان هم به ملاحظه میرسد یکی بنام لیلی مسکونه سالنگ و اب به اتهام اخوانی و دیگری نازنین از پنجشیر به اتهام اکمال کننده جبهه پنجشیر.

در ختم همین نوشته دیانگرام و گرافیک کار خویش را حضور هموطنانم تقدیم میدارم. از همه خوانندگان بخصوص ورثه شهدا خواشمندم در صورت مواجه با اغلاط که بدون تردید موجود اند، با همین ویب سایت در تماس شده تا تصحیح لازمه را در لست در صورت ثبوت درج نمایم و ازاینکار خیلی خوشنود خواهم شد. با تأکید مجدد بر اینکه من تا حد توان سعی بندگی خود را کرده ام ولی به هیچ وجه موجودیت اغلاط و اشتباهات را در این کار ناچیزم رد نمی کنم و علاقمندان خاصاً ورثه شهدای نازنین که تاج سرم اند، بر من خرده نگیرند.

انواع شغل: در جدول تا حد توان نشان داده شده اند.

شماره	شغل	شمار کشته شدگان	ملاحظات
۱	استاد پوهنتون	۳۹	
۲	محصل	۳۹۳	
۳	معلم	۲۸۹	
۴	انجنیر	۶۲	
۵	داکتر	۳۴	
۶	متعلم	۲۲۷	
۷	حمل	۹	
۸	ملا	۸۴	
۹	جنرال	۲	
۱۰	دیگروال	۱۲	
۱۱	دیگرمین	۱۳	
۱۲	جگرن	۴۰	
۱۳	تورن - جگتورن	۴۶	
۱۴	لومری - دوهم - دریم بریدمن	۶۰	
۱۵	بریدگی - خورد ضابط	۱۳	
۱۶	ساتنمن	۱۶	
۱۷	لومری - دویم - دریم خارن	۳۸	
۱۸	خارمن	۱۰	
۱۹	ساتونکی	۲۴	
۲۰	سمونوال	۱	
۲۱	سمونمل	۲	
۲۲	قاضی	۹	
۲۳	مدیر	۵۳	
۲۴	مأمور	۴۲۱	
۲۵	شاگرد سماوارچی، شاگرد مستری، شاگرد هوتلی، شاگرد حمامی، شاگرد نمک فروش، شاگرد خیاط، شاگرد خباز	۲۶	
۲۶	بیکار	۱۵۶	
۲۷	دوا ساز	۵	
۲۸	دیوانه	۳	
۲۹	شغل گفته نه شده	۱۰۸۱	
۳۰	خیاط	۲۶	
۳۱	عسکر	۴۲	
۳۲	هوتلی	۵	
۳۳	کیله فروش	۱	
۳۴	تبنگ فروش	۳	
۳۵	دستفروش	۷	
۳۶	مستری	۹	
۳۷	میخانیک	۳	
۳۸	دریور	۷۰	
۳۹	دکاندار	۱۲۷	
۴۰	سقاء	۳	
۴۱	طالب العلم	۱۸	

۴۲	دهقان	۴۵	
۴۳	زارع	۱۰۰	
۴۴	زمیندار	۴۷۴	
۴۵	ملاک	۴	
۴۶	چوب فروش	۵	
۴۷	تعویذگر	۶	
۴۸	کارگر	۴۳	
۴۹	ساعت ساز	۹	
۵۰	رادیو ساز	۵	
۵۱	پیاده	۱۱	
۵۲	ملازم	۴	
۵۳	سرایوان و سرایدار	۱۳	
۵۴	طالب	۵	
۵۵	خباز	۴	
۵۶	لیلامی فروش	۴	
۵۷	مدرس و مبلغ	۳۲	
۵۸	علاف	۳	
۵۹	وکیل مدافع	۲	
۶۰	وکیل گذر	۱	
۶۱	خارنوال	۲	
۶۲	غریبکار	۳۵	
۶۳	مزدور کار	۸	
۶۴	نرس	۲	
۶۵	کلینر	۳	
۶۶	تاجر	۳۷	
۶۷	کشمش فروش	۲	
۶۸	کراچی وان	۱	
۶۹	خلیفه یا سلمان دهاتی	۱۰	
۷۰	آهنگر	۳	
۷۱	عکاس	۲	
۷۲	نگران سرویس	۱	
۷۳	کهنه فروش	۶	

ولایات: یا محل سکونت. چنانچه در بالا ذکر شد نام هر ولایت را در جاییکه در سند اصلی ذکر نه شده بود تا حد توان و فهم خویش اضافه کرده ام و در نادر جاهاییکه قادر به دریافت موقعیت جغرافیوی یک محل مشخص نه شده ام آنرا در جدول به همانگونه که در لست اصلی درج بود ثبت کرده ام. برویت آنچه که من بعد از فلتر نمودن بدست آورده ام شمار قربانیان هر ولایت به ترتیب آتی تصنیف شده اند:-

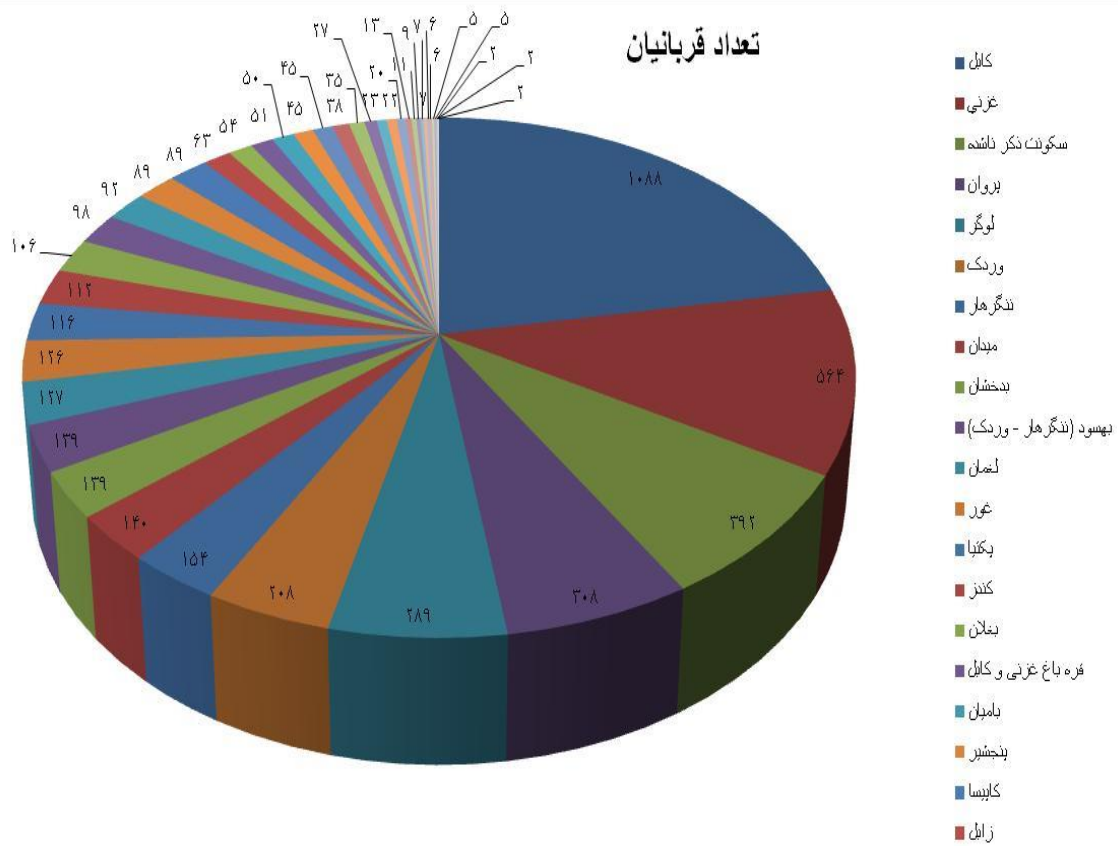
۱	کابل	۱۰۸۸	ملاحظات
۲	پنجشیر	۸۹	
۳	بامیان	۹۲	
۴	لوگر	۲۸۹	
۵	فاریاب	۳۸	
۶	مزار شریف	۳۵	
۷	کاپیسا	۸۹	
۸	بدخشان	۱۳۹	
۹	غزنی	۵۶۴	
۱۰	زابل	۶۳	
۱۱	کندهار	۵۱	
۱۲	پروان	۳۰۸	
۱۳	بغلان	۱۰۶	
۱۴	وردک	۲۰۸	
۱۵	میدان	۱۴۰	
۱۶	تخار	۵۴	
۱۷	جوزجان	۴۵	
۱۸	سرپل	۵	
۱۹	بادغیس	۷	

۲۰	هرات	۴۵	
۲۱	فراه	۲۲	
۲۲	نیمروز	۲۰	
۲۳	ننګرهار	۱۵۴	
۲۴	لغمان	۱۲۷	
۲۵	پکتیا	۱۱۶	
۲۶	پکتیکا	۶	
۲۷	خوست	۷	
۲۸	ګردیز	۶	
۲۹	شبرغان	۲	
۳۰	سمنگان	۲۷	
۳۱	بهسود (ننګرهار - وردک)	۱۳۹	
۳۲	قره باغ غزنی و کابل	۹۸	
۳۳	غور	۱۲۶	
۳۴	هلمند	۱۳	
۳۵	کونړ	۲۳	
۳۶	نورستان	۵	
۳۷	پاکستان	۱۱	
۳۸	پښتونستان	۲	
۳۹	جاغوری	۵۰	
۴۰	سکونت ذکر ناشده	۳۹۲	
۴۱	کنډز	۱۱۲	
۴۲	کوچی	۹	
۴۳	ایران	۲	

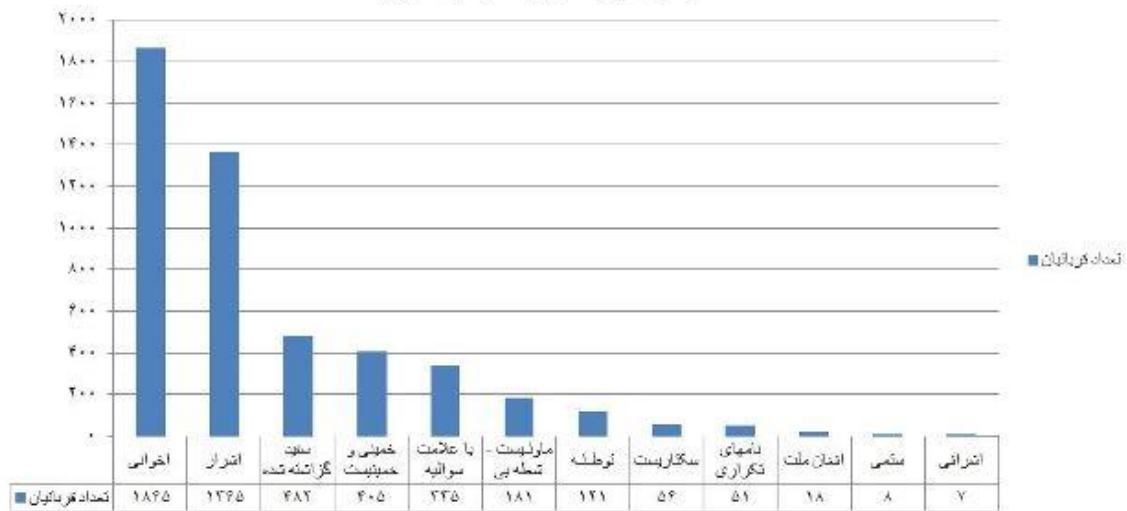
اتهامات: بعد از فلتر نمودن هر نوع اتهامات ذیل شماره های ذیل را بدست آورده ام

۱	خمینی و خمینیست	۴۰۵	
۲	اخوانی	۱۸۶۵	
۳	ماونیست و شعله پی	۱۸۱	
۴	سکتاریست	۵۶	
۵	اشرافی	۷	
۶	اشرار	۱۳۶۵	به شمول اشرار لوگر، گردیز، پکتیا ننگرهار، غزنی، میدان، پنجشیر و هرات
۷	توطئه	۱۲۱	
۸	افغان ملت	۱۸	
۹	ستمی	۸	
۱۰	با علامت سوالیه	۳۳۵	
۱۱	سفید گزاشته شده	۴۸۲	
۱۲	نامهای تکراری	۵۱	
۱۳	فراری و فعالیت در جبهه	۶	
۱۴	کلمه ضد انقلاب	۴۲	
۱۵	اعزامی	۱	
۱۶	از طرف اشرار دستوری آمده	۶	
۱۷	قرار مکتوب گروپ اجراءت پکتیا بازده نفر در جنگ علاقهداری سهم داشته و از جمله اشرار درجه اول می باشد	۱۰	
۱۸	به ارتباط گلبدین	۱	
۱۹	مجددی	۱۱	
۲۰	در صحنه جنگ مسجد سبز از صحنه جنگ دستگیر شده	۱۵	
۲۱	طرفدار دولت ایران	۱	
۲۲	طرفدار ظاهر - داؤود	۱	

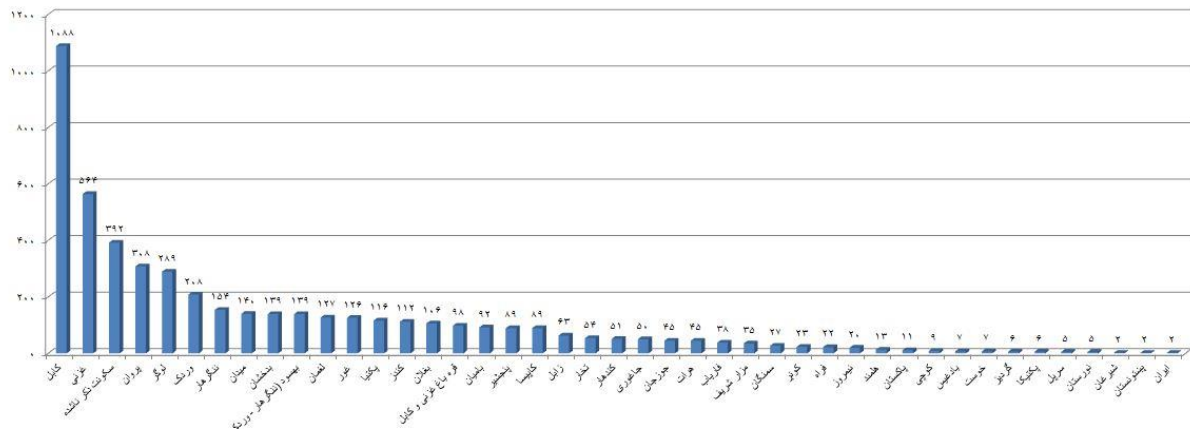
تعداد قربانیان



شمار قربانیان نظر به نوعیت جرم



شمار قربانیان نظر به ولایت



لست نهایی را که ترتیب کرده ام اکنون به فارمت پی دی اف خدمت تان تقدیم می نمایم و عنقریب شکل سافت از طریق دیتابیس افغان جرمن آنلاین به نشر می رسد.

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/new list of killed afghan sept ۲۸ ۲۰۱۳.pdf



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

پنج هزار شهید بی مزار و بی کفن

[aria_rahmat_panj_hazar_shahid_be_mazar_wa_be_kafan.pdf](#)